

گفتگوی سایت مصدق با آقای خسرو سیف دبیرکل حزب ملت ایران در رابطه با وقایع تیر ماه سال ۱۳۳۱

امیر محمد زاد بیجار دانش آموز دبیرستان نظام پس از گلوله خوردن در خیابان اکباتان و قبل از شهادت با خون خود بر روی دیوار نوشت: با مرگ یا مصدق

گفتگو کننده: سهیلا ستاری
یکشنبه ۲۷ تیر ۱۳۸۴ خورشیدی
برابر با ۱۷ ژوئیه ۲۰۰۵ میلادی

آقای خسرو سیف دعوت سایت مصدق به مصاحبه را پذیرفته اند. ایشان در سال ۱۳۳۰ عضو "حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم" شدند و در مقابله با حکومت سه روزه قوام در روزهای آخر تیر ماه ۱۳۳۱ به همراه دکتر تکمیل همایون و دیگر هموندان حزب، فعالیت شبانه روزی داشته و در درگیریهای خیابانی با ماموران رژیم و فروش روزنامه آپادانا ارگان رسمی این حزب در سطح تهران فعالانه شرکت نمودند. "پس از انشعاب "حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم" به رهبری زنده یاد داریوش فروهر و حضور دو تن از موسسان مکتب به نام "حسنعلی صارم کلالی" و "جواد تقی زاده"، ایشان همچنان بعنوان رهرو راستین مکتب مصدق از سال های ۳۱ و ۳۲ تا کنون در حمایت، تقویت، راهبری و پیشبرد نهضت ملی ایران کوشا هستند. از زمره فعالیتهای ایشان مسئولیت میتینگ صدهزار نفری در میدان جلالیه در سال ۱۳۴۰ در دفاع از نهضت ملی ایران میباشد که در آن دکتر سنجابی، دکتر صدیقی و شاهپور بختیار از جمله سخنرانان بوده و قطعنامه پایانی آن بوسیله داریوش فروهر قرائت گردید. ایشان در حال حاضر ۶۹ ساله هستند و از سال ۱۳۷۷ پس از به شهادت رسیدن زنده یاد داریوش فروهر به سمت دبیر کلی حزب ملت ایران هستند انتخاب گردیده اند

سایت مصدق: جناب آقای سیف جدا مسرور و سیاسگزارم از اینکه با مجموعه وظایف سیاسیتان فرصتی به من جهت انجام مصاحبه دادید، تقاضا میکنم در وهله اول شرایط سیاسی ماههای قبل از تیر ماه و بویژه روزهای آخر تیرماه ۱۳۳۱ را توضیح دهید؟

خسرو سیف: در اواخر عمر مجلس شانزدهم در اثر تحریکات و دسیسه های خارجی، برخی از نمایندگان مجلس مخالفت هایی را با دولت دکتر مصدق آغاز نمودند و روز به روز به این مخالفت ها در مجلس شورای ملی و مجلس سنا افزوده می شد که با دوراندیشی دولت این تحریکات بی اثر و خنثی می شد تا این که عمر مجلس شانزدهم نیز به پایان رسید. دخالت های عوامل دربار در جریان انتخابات مجلس هفدهم موجب اعتراض همگانی گردید که در پی آن درگیری های خونین در بیشتر شهرستانها به وقوع پیوست و تعدادی از هموطنان کشته و مجروح شدند و در نتیجه انتخابات در برخی از شهرستانها متوقف گردید. پس از تشکیل مجلس هفدهم مخالفت ها با دولت برای بر هم زدن اساس نهضت ملی ادامه یافت و دامنه آن هر روز گسترده تر می شد که در آن دست های متجاوز انگلیس دیده می شد. بدین ترتیب بود که دکتر مصدق دریافت با این وضع نمی توان مبارزه را با دولت استعماری انگلیس ادامه داد در نتیجه در خواست اختیارات شش ماهه را مطرح نمود تا بتواند به وضع بی سروسامان کشور سامانی بخشد. در این گریو دار، روزنامه های وابسته که در حقیقت بلندگوی دشمنان مردم بودند به گونه ای سازمان یافته به مصدق و یاران او به ناسزا گویی می پرداختند و نهضت ملی ایران را آماج حمله های خود قرار دادند، از این رو مصدق به این نتیجه رسید که نمی تواند بدون کسب اختیارات، کابینه خود را معرفی و اصلاحات مورد نظر خود را انجام دهد. دکتر مصدق در روز ۲۵/۴/۳۱ نزد شاه رفت و جریانات یک هفته گذشته مجلس و اشکال تراشی سازمان یافته را با شاه در میان گذاشت که با عدم توافق با وی با اعلام استعفا به خانه خود رفت

سایت مصدق: اقدامات دولت بریتانیا پیش از استعفای مصدق در تیرماه چه بودند؟

خسرو سیف: آن گاه که دکتر مصدق برای دفاع از حقوق ملت ایران به لاهه رفته بود توطئه ای در تهران در حال شکل گیری بود. هندرسن سفیر آمریکا و میدلتون کاردار انگلستان و حسین علاء وزیردربار مرتب با یکدیگر ملاقات می کردند و برای برآوردن خواست های امپریالیستی خود و از میان بردن دولت ملی دکتر مصدق از هر تلاشی فروگذار نمی کردند؛ آنها حتی جهت پیدا کردن جانشین برای دکتر مصدق نیز به رایزنی پرداختند که از منصور، حکیمی، قوام و بوشهری و از جبهه ملی از دکتر بقایی و مکی نام برده می شد. در ملاقاتی که شاه با مکی داشته او را به این پیشنهاد راغب تشخیص داده بود. هندرسن پس از ملاقاتی که در روز پنجم تیر ماه با آیت الله کاشانی داشت به علاء وزیر دربار گفته بود که آقای کاشانی به وی گفته است که بهترین شخص برای جانشینی مصدق، بوشهری است. بدین برتیب ملاحظه می شود که زمینه کنار گذاشتن مصدق طی برنامه تنظیم شده توسط سفارت خانه های آمریکا و انگلیس و عوامل آنها چون حسین علاء و جمال امامی و از جمله قوام السلطنه نقش ویژه ای در این توطئه داشته است. لازم می دانم برای روشن شدن عمق توطئه به مطالبی که آقای راشد نماینده مجلس درروز سی تیر به خبر نگاران گفت اشاره کنم: من از دو ماه پیش احساس کردم در مجلس یا خارج از مجلس جریانهایی بر خلاف تمایلات عمومی مردم وجود دارد. به این جهت در جلسه

۱۸ خرداد از راه نصیحت گفتم که نباید در مجلس یا خارج از مجلس کارهایی بشود که مردم آنها را به عنوان سد راه خودشان تعبیر کنند و متاسف هستم که از آنچه در آن روز گفتم و شنیده ام اکنون به وقوع پیوسته است

سایت مصدق: افراد ایرانی که با مقامات دولتهای خارجی، بویژه انگلیس، همکاری میکردند که بودند و مشخصا چه هماهنگیهای انجام میدادند؟ نقش برادران رشیدیان، احمد قوام، اسدالله علم، رضا حکمت و چه بود؟

خسرو سیف: در این مورد عوامل سرسپرده انگلیس چون حسین علاء (وزیر دربار)، سید حسن امامی (امام جمعه تهران)، منوچهر اقبال، صفاری، عباس اسکندری، دکتر ارسنجان، شاهنده، جمال امامی، سید محمد صادق طباطبایی، سردار فاخر حکمت، میر سید علی بهبهانی، اسدالله علم، مظفر بقایی و که تمامی در ارتباط با ماموران انگلیسی و آمریکایی سرگرم توطئه و برنامه ریزی برای سقوط دولت ملی مصدق و نخست وزیری قوام السلطنه در فعالیت بودند که البته در مورد برادران رشیدیان نقش آنان در کودتای ۲۸ مرداد را می توان مورد بررسی قرار داد

سایت مصدق: مجلس چه نقشی در جریان وقایع روزهای پایانی تیر ۱۳۳۱ ایفا کرد؟ تقسیم بندی درونی مجلس چه بود؟

خسرو سیف: چنانچه در مطالب فوق گفته شد، بخشی از توطئه گران در مجلس بودند. نمایندگان دست نشانده به سرکردگی دکتر امامی (امام جمعه تهران) در مجلس حضور داشتند که در این زمینه بسیار فعال هم بودند

سایت مصدق: موضع دربار و افراد خانواده سلطنتی چه بود؟

خسرو سیف: در دربار مادر شاه و هم چنین خواهر او نقش اساسی داشتند اصولا شاه برای برکناری دکتر مصدق از دو سو در فشار بود: اول اعضای خانواده و دیگری سفارت های انگلیس و آمریکا و عوامل داخلی آنها. این دو گروه در غیاب دکتر مصدق حتی برای تعیین جانشین او از قوام گرفته تا سید ضیاء در حال رایزنی و تصمیم گیری بودند. اشرف پهلوی که در خارج از ایران بود طی یک نامه هفت صفحه ای با حمایت از قوام او را بهترین گزینه برای جانشینی مصدق به برادر خود توصیه نمود که تاج الملوک مادر شاه نیز همین نظر را داشت

سایت مصدق: جناب سیف لطف کنید شرایطی را که منجر به استعفای دکتر مصدق در ۲۵ تیر ماه از سمت نخست وزیری گردید برای خوانندگان ما توضیح دهید؟

خسرو سیف: مجلس هفدهم روز یکشنبه ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۳۱ با شرکت ۸۱ نماینده افتتاح گردید و از همان ابتدا شاهد کشمکش بین نمایندگان در زمینه تصویب اعتبارنامه ها و تعیین رییس مجلس بود. دکتر مصدق روز چهارشنبه ۷ خرداد برای شرکت در دیوان دادگستری بین المللی لاهه جهت دفاع از حقوق ملت ایران، تهران را ترک کرد و پس از آن دفاع تاریخی با اطمینان به این که رای صادره به نفع ایران خواهد بود در روز چهارشنبه ۴ تیرماه در میان استقبال گرم و بی نظیر مردم به تهران بازگشت. روز جمعه ۱۰ تیر ماه دکتر امامی (امام جمعه تهران) با ۳۹ رای در مقابل ۲۵ رای دکتر معظمی (کاندیدای هواداران نهضت ملی) رییس مجلس شد. بدین ترتیب مجلس آماده کار شد و طبق روال، دکتر مصدق روز ۱۴ تیرماه استعفا کرد و روز ۱۵ تیر ماه مجلس شورای ملی به مصدق رای تمایل داد و مجلس سنا نیز در روز چهارشنبه ۱۸ تیرماه آن را تایید نمود و فرمان نخست وزیری در روز یکشنبه ۲۱ تیر ماه به نام او صادر گردید

توطئه ی عوامل بیگانه از دربار و مجلس گرفته تا حزب توده، فضای سیاسی ایران را آلوده و تشنج را به اوج خود رسانده بود و مصدق با درایت خاص خود به نقشه های پنهانی آنان آگاه بود. از سوی دیگر دولت او نمی توانست با این وضع برنامه اصلاح قانون انتخابات و سر و سامان دادن به مسایل اقتصادی و مالی کشور را عملی نماید لذا در روز چهارشنبه ۲۵ تیرماه برای مشورت و تبادل نظر و جلوگیری از دخالت های دربار و ارتش به دیدن شاه رفت و خواستار شد که پست وزارت دفاع را خود بر عهده بگیرد که با مخالفت شاه رو به رو شد. شاه در مقابل پیشنهاد مصدق گفت: " پس بگوئید من چمدان خود را ببندم و از این مملکت بروم." مصدق پاسخ داد که در این صورت من استعفا می دهم و از جای خود برخاست تا بیرون بروم. شاه جلوی در اتاق می ایستد و از خروج او ممانعت می کند و هنگامی که دکتر مصدق را در تصمیم خود جدی دید از او خواست تا ساعت ۸ شب صبر کند و چنانچه از طرف وی خبری نرسید استعفای خود را بفرستد و ضمناً اضافه می کند " چنانچه برای من پیش آمدی رخ دهد از شما انتظار مساعدت و همراهی دارم" که نشان می دهد شاه از طرف عوامل داخلی و خارجی تحت فشار است زیرا بنا به دلایل شخصی نه با قوام موافق بود و نه با سید ضیاء، بلکه می خواست جانشین مصدق بقایی یا مکی از اعضای جبهه ملی باشد که از نظر او مورد تایید عوامل وابسته به بیگانه نبودند

چون از جانب شاه خبری نمی شود، ساعت ۸ بعد از ظهر استعفای خود را به دربار فرستاد و ساعت ۹ شب از طریق رادیو اعلام گردید. پخش خبر استعفای دکتر مصدق باعث تشنج و آشفتگی در سراسر ایران شد به طوری که تا ساعت ۵ بعداز ظهر روز بعد تمام بازار تهران تعطیل گردید و مردم معترض در شهرستانها برای حمایت از دکتر مصدق به سوی تلگراف خانه ها سرازیر شدند

سایت مصدق: پس از اعلام استعفای مصدق حوادث چطور جلو رفت؟

خسرو سیف: در همین زمان علوی مقدم رییس شهربانی به وسیله شاه احضار و دستوره‌های لازم برای برقراری نظم و برخورد با مردم به وی داده شد. در اجرای این دستور از پادگان‌های مرکزی واحدهای جدید دژبان به شهربانی اعزام شدند. رادیو و جراید زیر کنترل نظامی قرار گرفت

ساعت ۱۰ صبح روز پنجشنبه ۲۶ تیر ماه جلسه خصوصی مجلس شورای ملی تشکیل و دکتر امامی جریان ملاقات خود را با علاء وزیر دربار با نمایندگان در میان گذاشت. این جلسه پس از ۴۵ دقیقه خاتمه یافت. آنگاه نمایندگان نهضت ملی گرد هم آمدند و ورقه‌ای را امضاء و پشتیبانی خود را از نهضت ملی و رهبر اندیشمند آن دکتر مصدق تا پیروزی نهایی حتی به بهای نثار جان خود اعلام نمودند. ساعت ۹ شب رادیو تهران خبر زمامداری قوام السلطنه را اعلام نمود. قوام السلطنه با اکثریت ۴۰ رای از ۴۲ نفر حاضر در مجلس رای تمایل گرفت که البته نمایندگان فراکسیون وطن در این رای گیری حضور نداشتند

سایت مصدق : انعکاس استعفای مصدق و برگزیدن قوام در میان مردم چطور بود؟

خسرو سیف: بعد از این بود که مردم تهران در نهایت عصبانیت در خیابان‌ها حضور پیدا کردند و مردم شهرستان‌ها در تلگراف خانه‌ها ضمن مخابره تلگراف تحصن کردند. جمعه ۲۷ تیر ۳۱ : در این روز بازار و مغازه‌های خیابان‌ها در تهران و شهرستانها همه تعطیل بودند، مردم یکپارچه دست از کارکشیده و به خیابان‌ها آمدند و به نفع دکتر مصدق تظاهرات می کردند. شعارها " یا مرگ یا مصدق " ، " مرگ بر قوام " ، " زنده باد دکتر مصدق " بود

در این روز قوام السلطنه اعلامیه‌ی مفصلی صادر نمود که در آن مردم را تبهکار نامیده و اشاره به تشکیل محکمه‌های انقلابی داشت و با جمله "کشتییان را سیاستی دگر آمد" اعلامیه خود را به پایان برده بود که خواندن آن در رادیو، مردم آزاده ایران را بیشتر خشمگین نمود؛ در همین زمان جلسه‌ای از رهبران نهضت ملی، حزب زحمتکشان ملت ایران، حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم، حزب ایران، جمعیت مجاهدین اسلام و جامعه اصناف و بازرگانان تشکیل شده و همه هم قسم شدند تا پیروزی از پای ننشینند. بدین ترتیب مبارزه با یکپارچگی و انسجام بیشتر ادامه پیدا کرد

با وجود فشار زیاد و تعطیل چاپخانه‌ها و کنترل شدید، روزنامه‌های احزاب ملی با فداکاری کارگران انتشار یافت. روزنامه آپادانا به صاحب امتیازی امیر سلیمان عظیمی ارگان رسمی "حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم" چندین بار تجدید چاپ و در سطح تهران پخش شد. هموندان حزبی و کادرهای مسئول از جمله خود من که ۱۶ سال بیشتر نداشتیم این روزنامه را در خیابان‌های شاه آباد، نادری و اسلامبول به طور گروهی به فروش می رساندند. "گلوه، گلوه، گلوه این است هدیه ملت ایران به قوام السلطنه دزد و خیانتکار" عنوان سرمقاله این شماره روزنامه آپادانا بود که از آن به عنوان شعار هم استفاده میشد. در این مقاله آمده بود: " زنان و مردان ایران در هر کجا که هستید با همه نیرو بر ضد حکومت ننگین قوام السلطنه برخیزید از سر نیزه‌ها و تانکهای سست بنیاد هیات حاکمه نهراسید. سینه‌های خود را سپر گلوه‌ها سازید، دست‌های توانای خود را بر سر نیزه‌ها " فرود آرید تا آتش انقلاب زیانه‌کنش و خرمن هستی دشمنان ایران را بسوزاند

آیت الله کاشانی هم در همین روز جلسه مصاحبه مطبوعاتی تشکیل داد و به شدت قوام و اعلامیه تهدید آمیز او را مورد حمله قرارداد و از مردم خواست تا بازگرداندن دکتر مصدق به نخست وزیری از پای ننشینند. نمایندگان هوادار دکتر مصدق هم اعلامیه‌ای خطاب به افسران و سربازان صادر نمودند و کمیته‌هایی به نام " کمیته تمرکز مبارزات ملی " تشکیل دادند؛ این کمیته از مردم خواست به تظاهرات و مبارزه‌ی خود به دور از هر گونه خشونت ادامه دهند. از آن سو فرمانداری نظامی تهران بر شدت عمل خود افزود و به بازداشت گروه‌گروه از مردم به ویژه جوانان اقدام نموده و رفت و آمد مردم را تا ساعت ۹ بعد از ظهر محدود نمود. اما مردم بدون توجه به این محدودیت‌ها، خود را با شور و شوق و هیجان برای مبارزه نهایی آماده می کردند

سایت مصدق : شما که خود از شاه‌دازان زنده و از فعالین در مبارزات روزهای آخر تیر ماه ۱۳۳۱ بودید از تظاهرات و حرکات مردم در بازگرداندن مصدق به نخست وزیری، از تعطیل بازارها و اعتصاب‌های سراسری و پیوستن ارتش به مردم و کنترل شهر به وسیله نیروهای مردمی چه خاطراتی دارید؟

خسرو سیف: من در آن زمان شانزده سال داشتم و دانش آموز دبیرستان بودم. در سال ۱۳۳۰ افتخار عضویت در " حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم " را یافتم. در برابر حکومت سه روزه قوام به همراه دکتر تکمیل همایون و دیگر هموندان حزب، فعالیت شبانه روزی داشتیم. به خاطر دارم در آن زمان کوچه‌ها و پیاده‌روهای منطقه‌ی مرکزی شهر مانند خیابان شاه آباد و ... را برای لوله‌کشی آب کنده بودند؛ آن گاه که مورد هجوم سربازان قرار می گرفتیم به این کوچه‌ها و گودال‌ها پناه می بردیم و برای مقابله با آنها از سنگ‌های کوچک و بزرگ گودالها استفاده می کردیم. در تمام این روزها به جنگ و گریز ادامه می دادیم تا روز دوشنبه سی ام تیرماه. در این روز صدای گلوه‌ها و رگبار مسلسل تهران را می لرزاند. خون مردم کف خیابان شاه آباد را رنگین کرده بود. مردم جنازه‌ها را بالای دست‌ها گرفته و مرده‌ها را قوام می گفتند. توده‌ای‌ها که اینک وارد کارزار شده بودند مورد حمله افراد حزب زحمتکشان و پان ایرانیست‌ها قرار می گرفتند. در اطراف میدان بهارستان، سرهنگ قربانی از فرمانداری نظامی ، سلاح بر دست ، مردم را هدف می گرفت. گلوه‌ها مردم بیگانه را چون برگ خزان بر زمین می ریخت و دیوارها پر بود از شعارهای خون آلود

جا دارد که از " امیر محمد زاد بیجار معروف به امیر بیجار " یاد کنی. او دانش آموز دبیرستان نظام بود و در خیابان اکباتان که بعد از پیروزی خیابان ملت نام گرفت- در کنار دیوار مقابل حزب زحمتکشان مورد اصابت گلوله سربازان قرار گرفت. قبل از شهادت او با خون خود بر روی دیوار نوشت "یا مرگ یا مصدق". این شعاری بود که در روز سی تیر از جای جای شهر تهران حتی پس از پیروزی نیز به گوش می رسید

از روز ۲۷ تیر که بازار و مغازه های خیابان ها در تهران و شهرستانها همه تعطیل بودند و مردم به خیابان ها آمده و به نفع دکتر مصدق تظاهرات می کردند. روز دوشنبه سی تیرماه، ارتش از صبح زود نیروهای خود را در نقاط مختلف تهران به ویژه در میدان بهارستان مستقر کرده بود. در مقابل آنان گروه گروه از زنان و مردان از خرد و کلان به خیابان ها آمدند و در نهایت شجاعت با شعارهای خود در برابر توپ و تانک مقاومت می کردند. کشتار بی رحمانه بود، اما هر لحظه بر مقاومت مردم افزوده میشد. حمله ی نظامیان بی وقفه ادامه داشت. این کشتار بیرحمانه تا بعد از نیمروز به طول انجامید، اما در مقابل قدرت و اراده ی مردم ماموران راهی جز تسلیم نداشتند؛ از سوی دیگر تعداد نمایندگان طرفدار مصدق در مجلس رو به فزونی نهاد به گونه ای که نزدیک ظهر به ۲۰ نفر رسید. سر انجام نزدیک چهار بعد از ظهر، ایستادگی دلیرانه ی مردم به نتیجه رسید و نیروهای نظامی به پادگان های خود عقب نشینی کردند و شهر به وسیله ی جوانان اداره می شد و گروه گروه از مردم پیروز به سوی خانه ی رهبر روان شدند

اولین گروه از هموندان حزب ملت ایران بودند که با پرچم های مبارزاتی حزب و با حضور شهید داریوش فروهر به سوی خانه پیشوای نهضت ملی ایران شتافتند. دکتر مصدق در حالی که عیابی بر دوش داشت در بالکن خانه ی خود حضور یافت و به علت شدت تاثیر نتوانست جز چند جمله ادا نماید، به گریه افتاد و از حال رفت. ساعت ۷ بعد از ظهر خبر استعفای قوام از رادیو پخش شد. سپس چند تن از نمایندگان نهضت ملی سخن گفتند و مردم را به آرامش دعوت نمودند اما تظاهرات تا پاسی از شب ادامه داشت

سایت مصدق : برمیگردم به موضع احزاب در آن زمان، موضع حزب توده و روزنامه های جوانان دموکرات و بسوی آینده تا سی تیر ۱۳۳۱ نسبت به مصدق چه بود؟

خسرو سیف: حزب توده در تمام دوران حکومت دکتر مصدق جز حمله، دشنام و ناسزا به دکتر مصدق و نهضت ملی ایران و ایجاد بحران چون چهارده آذر، هفت فروردین، بیست و سوم تیر و و سد ردن راه مبارزه مردم ایران که تمامی در راستای منافع استعمار گران بود، عمل دیگری انجام نداد و این تاریخ است که باید بگویند حزب توده ایران جز کارشکنی و توطئه نسبت به نهضت ملی و مبارزات استقلال طلبانه ایران کارنامه ی دیگری دارد؟ کافی است نگاهی گذرا به روز نامه ها و نشریات وابسته به حزب توده در آن زمان بیندازیم. در آنجا به دو نمونه از آن ها اشاره می کنیم: روزنامه چلنگر در شماره هجدهم آذر، مصدق را "پیر گفتار خون آشام" نامید. نشریه " روز آخرین نبرد" که به جای به "سوی آینده" ارگان حزب توده ایران منتشر می شد در شماره هفدهم آذر ماه حکومت مصدق را " رژیم ترور، آدم کشی، غارت و دزدی و اوباش و اراذل" خواند

سایت مصدق : از موضع خلیل ملکی و نیروی سوم تا سی تیر ۱۳۳۱ نسبت به مصدق چه در خاطرتان هست؟

خسرو سیف: خلیل ملکی تا قیام سی تیر همگام با دکتر بقایی در حزب زحمتکشان ملت ایران فعالیت می کرد، اما پس از سی تیر ۱۳۳۱ به علت بروز اختلاف بین بقایی و دکتر مصدق از حزب زحمتکشان ملت ایران کناره گیری نمود و فعالیت های خود را در سازمان جدید به نام "حزب زحمتکشان ملت ایران" (نیروی سوم) متمرکز ساخت و روزنامه ای به نام " نیروی سوم" منتشر کرد و تا آخرین لحظه از نهضت ملی ایران و رهبر آن دکتر مصدق حمایت نمود

سایت مصدق : موضع حزب زحمتکشان و روزنامه شاهد تا سی تیر ۱۳۳۱ نسبت به مصدق چه بود؟

خسرو سیف: همانطور که در مطالب قبل گفته شد موضع حزب زحمتکشان و روزنامه شاهد تا سی تیر حمایت از دکتر مصدق بود ولی بعد از پیروزی سی تیر دکتر بقایی در مرکز توطئه علیه دکتر مصدق قرار گرفت

سایت مصدق : موضع حزب پان ایرانیست و روزنامه پرچمدار تا سی تیر ۱۳۳۱ نسبت به دکتر مصدق چه بود؟

خسرو سیف: در مورد پان ایرانیست ها ناگزیر به توضیح بیشتری هستم. مکتب پان ایرانیسم در پانزدهم شهریور ۱۳۳۶ شکل گرفت که گروهی از افراد مکتب درآبان ماه ۱۳۳۰ و در اوج مبارزات نهضت ملی، موجودیت حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم را اعلام نمودند و بقیه که در مکتب ماندند به نام " پرچمداران پان ایرانیست" که معتقد به کارهای مکتبی و فرهنگی بودند، به فعالیت های خود که حمایت از دولت دکتر مصدق و نهضت ملی بود، ادامه داده، روزنامه پرچمدار را منتشر می کردند. " محمد مهرداد" رهبر این گروه در جریان مبارزات نهضت ملی ایران از ناحیه ی نخاع مورد اصابت گلوله و وابستگان بیگانه قرار گرفت به گونه ای که معالجه ها موثر واقع نشد و اکنون پس از حدود نیم قرن بستری بودن با روحیه ای بسیار قوی علی رغم تن رنجور به زندگی سرفراز خود ادامه می دهد

حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم" به دبیرکلی داریوش فروهر پس از سه ماه دچار انشعاب گردید که " انشعاب کنندگان به ایجاد حزبی به نام " حزب پان ایرانیست" مبادرت نمودند که تا سی تیراز نهضت ملی حمایت کردند و پس از آن راه دیگری برگزیدند. پی از ۲۸ مرداد به وکالت مجلس شورا و وزارت رسیدند. اما " حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم" به دبیر کلی داریوش فروهر و حضور دو تن از موسسان مکتب به نام " حسنعلی صارم کلالی" و " جواد تقی زاده" و عده ای دیگر در شورای رهبری حزب همچنان به حمایت از نهضت ملی ایران و رهبر خردمند آن دکتر محمد مصدق در سال های ۳۱ و ۳۲ و پس از کودتا و تاکنون ادامه داده افتخار خود می دانند شاگردانی وفادار در مکتب مصدق هستند و همچنان به راه او که راه استقلال، سربلندی و سرافرازی ملت ایران است ادامه می دهند

سایت مصدق : چگونه و از جانب چه ارگانی سی تیر روز ملی اعلام شد؟ از انسانهایی که جان خود را در این روز از دست دادند چگونه قدردانی گردید؟

خسرو سیف: دکتر مصدق با استفاده از قانون اختیارات روز سی تیر را تعطیل رسمی اعلام کرد و ساعت ۹ بعد از ظهر روز ۲۹ تیر ماه به آن مناسبت سخنرانی کرد. پیام دکتر مصدق " لایب به خاطر دارید که سال گذشته در چنین روزهایی دولت از ادامه خدمت گزاری مایوس شد. زیرا از هر جانب خود را با موانع و مشکلاتی مواجه می دید که دست سیاست اجنبی فراهم کرده بود، در آن ایام نیز مانند این روزها دست تحریکات و دسایس اجنبی از هر جانب در کار بود.... و عاقبت با این گرفتاری ها و کارشکنی ها ناچار شد بار مسئولیتی را که ملت بر دوش او گذاشت در نیمه راه مبارزه بر زمین گذارد.... اما بلافاصله معلوم گشت که ملت ایران با کناره گیری این دولت از کار موافق نیست و به هر قیمت که ممکن باشد نخواهد گذاشت این جهاد مقدس بی نتیجه و ناتمام بماند." در همان زمان که سخنرانی دکتر مصدق از رادیو تهران پخش می شد او خود به مزار شهدای ۳۰ تیر رفت و تاج گلی نثارکرد

سایت مصدق :جناب آقای سیف باز هم بینهایت از اینکه وقتتان را در اختیار این سایت گذارید، سپاسگزارم. برای شما و همه دوستانتان بویژه در شرایط اجتماعی امروز ایران آرزوی تندرستی و موفقیتهای هر چه بیشتر دارم